فیگورهای سلبریتی طور فراستی

درباره مسعود فراستی و حواشی دوباره او بعد از حضور در دورهمی

محبوبه عظیم زاده
m.azimzadeh@shahraranews.ir

روایت روز

مسعود فراستی در دومین شب از خردادماه مهمان مهران مدیری و برنامه دورهمی شد تا همان‌طور که حدس و گمان‌ها می‌گفت، یکی از پربازخورد‌ترین و پرحاشیه‌ترین قسمت‌های دورهمی روی آنتن برود. او با همان شمایل و با همان سیاق همیشگی خودش روی صندلی دورهمی نشست و از اوضاع سینما گفت و دورهمی و مدیری. طبق معمول خیلی‌ها حرف و رفتار او را نمود صراحت و رک‌گویی‌اش دانستند و عده‌ای دیگر نماد بی‌ادبی و گستاخ بودنش.

هرچه غم سنگین‌تر، کمدی جدی‌تر

«فضای امروز سینمای ما فضای مسمومی است، به خصوص این چیزهایی که بهش می‌گن کمدی.» این، بخش کوتاهی از صحبت‌های فراستی در دورهمی بود که برخلاف خیلی اوقات با بخشید گفتن و کسب اجازه برای تند صحبت کردن شروع شد. او که پیش از این‌ها با «مقوا بودن» و «بی‌همه‌چیز بودن» راجع به فیلم‌ها نظر داده است، این مرتبه از «آشغال بودن» خیلی از فیلم‌های کمدی گفت و البته به انضمام این نکته که آشغال بودن اصلا فحش نیست. او گفت: «از پول من و مردم خرج می‌کنن و آشغال تحویل می‌دن.» فراستی دورهمی و خود مدیری را هم بی‌نصیب نگذاشت و گفت اهل دیدن دورهمی نیست و تنها یک مرتبه با تماشای ۳ دقیقه از این برنامه دریافته که این برنامه یک فاجعه است. بااین‌حال او و مدیری را از دهه ۷۰ به بعد و وقتی که پای ساعت‌خوش به تلویزیون باز شد، یکی از مهم‌ترین کمدین‌های ایرانی نامید، حتی با وجود تمام کارهای بدش. او گفت: «یعنی یک چیزی توی مهران بوده و الان کم‌رنگ شده که امیدوارم دوباره پررنگ بشه.» صحبت فراستی البته با پاسخ خود مدیری روبه‌رو شد: «سرخوشی کمدی ندارم برای اینکه غمم بیشتر از گذشته است، بسیار.» فراستی نیز مجدد به او گفت: «این غمو باید تبدیل به کمدی کرد مهران جان. وظیفته. هرچقدر غمت سنگین‌تر، کمدیت جدی‌تر.»

به امثال فرستی نیازداریم؟

واکنش‌ها در این خصوص در فضای مجازی بسیار بود. کاربری نوشته بود: «بعد از دیدن برنامه امشب مهران مدیری علاقه‌ام به مسعود فراستی بیشتر شد. نقد سینما به چندنفر دیگه مثل فراستی احتیاج داره.» کاربر دیگری با ترس و لرز نوشته بود: «منم با فراستی موافقم اگه منو نمی‌خورین.» در این میان، عده‌ای هم با عنوان‌های «بهترین یک ساعت تاریخ صداوسیما» و «آموزنده‌ترین قسمت دورهمی» از این برنامه یاد کرده بودند. بااین‌حال، افراد زیادی هم علیه فراستی بودند و نوشتند: «فراستی عقده دیده شدن داره و این‌قبیل رفتارها و حرکات تمام و کمال از سر ناچاری است»، «قبلا فکر می‌کردم فراستی دنبال دیده شدنه، الان مطمئن شدم.» برخی هم سر پیکان را به سمت مهران مدیری گرفتند: «این مدیری هم جالبه. با فراستی از ابتذال و بی‌سوادی مردم حرف می‌زنه و از اینکه مردم مدت‌هاست موسیقی خوب، مثل باخ، گوش نمی‌دن. بعد خودش مهمون برنامه‌ش بهنام بانی و حمید هیراد و ماکان بنده که می‌آد می‌گه هربار این درو محکم نبند نرو.»

فراستی در میان بازیگران و هنرمندان هم موافقان و مخالفانی دارد. پرویز پرستویی همین مدتی پیش در مصاحبه‌ای و به دنبال نقد تندوتیزی که فراستی به فیلم مطرب داشت، او را با هوشنگ گلمکانی (منتقد و مترجم سینما) مقایسه کرده و گفته بود، نباید نقد را با توهین اشتباه بگیریم و به افرادی که از این فیلم خوششان آمده است بگوییم لمپن. پرویز فلاحی‌پور (بازیگر) مدتی پیش در مورد او گفته بود: «سینمای ما به شدت نیازمند امثال مسعود فراستی است، افرادی که بی ترس و مماشات آثار را نقد می‌کنند و کیفیت پایین را هدف می‌گیرند.»

سلبریتی عرصه نقد

صحبت‌های فراستی واکنش منتقدان دیگر را هم به دنبال داشت. پرویز جاهد به تازگی با انتشار یک عکس از فراستی در اینستاگرام در مورد او نوشت: «اینکه ما چه بخواهیم و چه نخواهیم و چه دوستش داشته باشیم و چه نداشته باشیم، مسعود فراستی حالا مشهورترین منتقد فیلم در تاریخ سینمای ایران است و شهرتی در حد برخی بازیگران و به اصطلاح سلبریتی‌های ایرانی دارد.» او در بخشی از متن خود نوشت: «تسلط او در گفتار و چهره و تیپ خاص و لباس پوشیدنش که یادآور شمایل چریک‌های مارکسیست آمریکای لاتین است و تکنیک‌ها و شیوه

جدلی بحث کردنش و مهارت‌هایی که در از میان به‌درکردن حریفان خود در میدان بحث دارد، از او شخصیتی منحصربه‌فرد و کاریزماتیک ساخته است.» او در نهایت گفت: «بسیاری از کسانی که امروز به فراستی حمله می‌کنند، به شدت آرزو دارند که جای او باشند.» پوریا ذوالفقاری نیز از مسعود فراستی به عنوان تنها منتقد تاریخ سینمای ما نام برد که جدا از برنامه‌های پراکنده تلویزیونی‌اش بیش از یک‌دهه هفته‌ای چندساعت آنتن زنده تلویزیون را در اختیار داشته است. ذوالفقاری البته خود فراستی را در زوال سلیقه مخاطب مؤثر دانسته و گفته است: «اگر سلیقه مخاطب افت کرده -که کرده- فراستی قطعا دراین زوال نقش داشته است. او می‌توانست در این ۱۰ سال نقد را به صدور حکم خوب و بد فرو نکاهد. ولی چه کرد؟ حکم داد. طعنه زد. تیتر شد. سلبریتی شد. مضحک‌ترین تصویر ممکن را از یک منتقد ساخت.» با تمام این حرف‌وحدیث‌ها، مشخص است که روال کار فراستی از همان مصاحبه‌هایی که در دهه ۷۰ انجام می‌داد تا همین امروز که روی صندلی دورهمی می‌نشیند و از فاجعه‌آمیزبودن و افتضاح‌بودن آثار تلویزیونی صحبت می‌کند، همین است و همین خواهد بود. ظاهرا ما نیز باید او را همان‌طور که برخی هم‌صنفانش اذعان دارند، به‌عنوان یک سلبریتی بشناسیم؛ یک سلبریتی در عرصه نقد که هرازگاهی حرفش را می‌زند، حرفش شنیده می‌شود و همیشه موافقان و مخالفان خودش را هم دارد.

محمدجواد آذری جهرمی
وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات

ژیان ماشینی پرخاطره برای قدیمی‌هاست. کسی رو سراغ دارم که می‌گه ۹ نفر کوچیک و بزرگ رو تو ژیان جا داده و رفته‌اند مشهد. ده نودی‌ها هم از هر فرصتی استفاده می‌کنن! شاید من فکر کنم این تیکه آهن دیگه به درد نمی‌خوره ولی محمد همین که دید یه فرمون داره براش کافی بود تا بازی رو شروع کنه، تازه خیلی هم با جدیت، انگار این ژیان اینجا افتاده بود تا یه روزی یه ده نودی پیداش کنه و باهاش تمرین رانندگی کنه. وایسید ببینید اینا چندسال دیگه چجوری همه کم‌کاری‌های نسل‌های قبل رو جبران می‌کنن.
حدود نیم‌ساعتی ما رو تو این ژیان نشوند و رانندگی می‌کرد. همه این‌ها یک طرف، این سؤالش هم یک طرف: «بابا، بوقش کو؟»

همایون حسینیان
شاعر

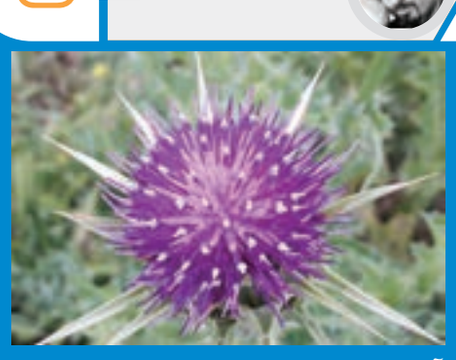

آروزهایم را تغییر دادم
دلم را خوش کرده‌ام به اشیاء
به گیاهان
قلبم را در باغچه،
زیر سنگ دفن کرده‌ام
دیگر به انتظارت نمی‌مانم

بابک جهانبخش
خواننده

این روزها آرزوی یک حافظه سفید سفید را دارم.
حافظه‌ای که هیچ کدام از غم‌هایی را که زندگی نشانم‌داده...رویش حک نشده باشد.
دوست دارم لبریز از بیخیالی مطلق باشم. تا تمام آینه‌های شهر لبخند و شادی مرا به تصویر بکشند...
این روزها عجیب دلتنگ آرامشم ...

حسن نمک‌دوست
روزنامه‌نگار

این طور که از اوضاع جهان معلوم است، و ما هم پیشگام، از حالا به بعد کرونا بی کرونا.
همه هم بالاخره یک روزی، یک‌جوری می‌میرند؛ یعنی خب، یک روزی، یک‌جوری باید بمیریم.
بله، به جهان قبل از کرونا، با خاطره یک‌ونیم متر فاصله و کلی الکل و صابون، خوش آمدیم!

محمد مبین
مدیرعامل خبرگزاری برنا

اول، این ثمره برجام است که نفت‌کش‌های ایرانی با پرچم برافراشته ایران و سیگنال‌های ماهواره‌ای روشن در آب‌های آزاد طی طریق می‌کنند. دوم، این ثمره دولت روحانی است که کشور وارد کننده بنزین در سال ۹۲ به کشور صادر کننده بنزین در سال ۹۹ تبدیل شده است.

پژمان موسوی
روزنامه‌نگار

کیهان کلهر روی یک صندلی نشست، لایو پخش کرد و همه را غرق در زیبایی و شور کرد.
همایون شجریان به ایرانسل اعتماد کرد، پای اسپانسر وسط آمد، سرور جواب نداد، همه غرق در اعتراض و ناخوش احوالی شدند.

هزار وعده خوبان یکی وفا نکند!

مهدی محمدی
mahdi.mohammadi@shahraranews.ir

طنز نوشت

معاون ساماندهی امور جوانان پیشنهاد داده است به جای وام ازدواج و همچنین وام‌های اشتغال و مسکن، تمام آن‌ها در قالب یک وام یک‌میلیاردتومانی تجمیع شوند و به جوانان در آستانه ازدواج داده شود تا مشکلات به‌طور ریشه‌ای حل شود.
یک آدم با تجربه: من که می‌گم همون‌طور که سنگ بزرگ نشانه نزدن است، وام بزرگ هم نشانه ندادن است.
رئیس بانک مرکزی: ما که منابع این وام را نداریم، ولی می‌توان به جای حذف ۴ تا صفر از پول کشور، ۲ تا صفر اضافه کنیم تا بتوانیم میلیاردی به جوانان عزیز این مرز و بوم، وام کلان بدهیم.
متأهلی که زنش مهریه را به اجرا گذاشته است: شما که برنامه ریختید وام یک‌میلیاردی به مجردهای در آستانه ازدواج بدهید، یک وام دومیلیاردی هم به ما متأهل‌های در آستانه طلاق بدهید، تا بتوانیم مهریه همسرمان را بدهیم.
یک مسئول حسابگر: بنا به ضرب‌المثل «وصف العیش، نصف‌العیش» خبر اختصاص وام یک‌میلیاردی به جوانان، در حکم اختصاص نصف آن وام، یعنی اختصاص ۵۰۰ میلیون تومان به جوانان است. لذا جوانان موظف‌اند، قبل از اینکه به خاطر این بدهی ۵۰۰ میلیونی راهی زندان شوند، هرچه سریع‌تر واریز اقساط این ۵۰۰ میلیون تومان را شروع کنند.
یک جوان آرزوبه‌دل: این یعنی یک فرصت برای ایجاد عدالت‌اجتماعی. این گونه ما هم می‌توانیم از یک جوان بیکار و علاف به یک ابربدهکار بانکی تبدیل شویم.
یک جوان واقع‌بین: خدا کنه این وام میلیاردی قطعی نشود، چون برای وام ازدواج چندمیلیونی من هنوز کسی ضامن نشده است. چه برسد به وام یک میلیاردی.
رئیس سازمان هدفمندی یارانه‌ها: البته سرپرستان خانوار بدانند و آگاه باشند که حتی اگر وام ازدواج ۱۰ میلیارد هم بشود، یارانه ۴۵ هزار و ۵۰۰ تومانی یک ریال همه تغییر نخواهد کرد.
یک جوان خوش‌بین: چه خوبه آدم با وامی که ۹ تا صفر داره، زندگی‌شو از صفر شروع کنه.
یک اقتصاددان: البته این حجم از نقدینگی مطمئنا باعث اَبَرتورم خواهد شد.
مرکز آمار: نگران تورمش نباشید. اگر قیمت‌ها ۱۰ برابر هم بشود، ما از یک روشی حساب می‌کنیم که عدد تورم مساوی یا کمتر از ۲۰ درصد باشد.
یک مجرد پرتوقع: در قضیه وام اخیر یک میلیونی، به سرپرستان خانوار یک سیم‌کارت رایگان داده شد. اگر به ازای هر وام یک‌میلیونی، یک سیم کارت رایگان داده شود دولت موظف است به هرکس که وام یک‌میلیاردی می‌دهد، هزار تا سیم‌کارت رایگان هم بدهد!
حافظ: شما مسئولان خوبی دارید ولی همان‌طور که ۸ قرن قبل گفتم: هزار وعده خوبان، یکی وفا نکند.

لیگ بدون کووید ۱۹

تاکنون باشگاه‌های فوتبال زیادی در کشورمان از شروع مجدد لیگ برتر ابراز نگرانی کرده‌اند و گفته‌اند: ممکن است کرونا به سلامت بازیکنان آن‌ها آسیب بزند. به نظر ما با به کار بردن روش‌های زیر می‌توان لیگ برتر را بدون هیچ نگرانی‌ای دوباره شروع کرد:

- با اینکه لیگ ما از آن لیگ‌های سوپرحرفه‌ای است، قبول کنید که هر تیم لیگ برتر حداقل ۲ بازیکن دارد که توی زمین همین‌طور الکی برای خودشان قدم می‌زنند و راه می‌روند. اگر از هر تیم این ۲ بازیکن حذف شوند و تعداد نفرات هر تیم ۹ نفر باشد از دحام توی زمین و خطر انتقال ویروس کمتر می‌شود.
- تمام پزشکان اذعان دارند «دست» یکی از راه‌های مهم انتقال کووید ۱۹ است. بازیکنان قبل از ورود به زمین دستبند زده شوند تا به چیزی دست نزنند.
- می‌گویند باز بودن پنجره و ورود و خروج هوا امکان انتقال ویروس را کم می‌کند. لذا بهتر است پنجره نقل و انتقالات بازیکن در کل فصل برای تمام تیم‌ها باز باشد تا خطر کرونا کمتر بازیکنان را تهدید کند.
- می‌توان به جای بازیکنان اصلی تیم‌های فوتبال کشورمان، از نیروهای پزشک و پرستار بیمارستان‌ها استفاده کرد. چون مثل اینکه اگر کرونا جان آن‌ها را تهدید کند، زیاد مهم نیست ولی اگر بازیکنان تیم فوتبال کرونا بگیرند، آسمان به زمین می‌آید و همه‌چیز به هم می‌ریزد.

دیالوگ ماندگار

اون بار عصبانی بودم بهت گفتم بی‌لیاقت، الان عصبانی نیستم ..... بی‌لیاقت

خواهران غریب

بریده کتاب

هرچه بیشتر خودتان باشید و از وجود خود به تمامی به دیگران ببخشید، دوستی عمیق‌تر و پایدارتر می‌شود. در حضور چنین صمیمیتی همه کلمات، همه وجوه دلداری و همه عقاید معنای ژرف‌تری می‌یابند.

خیره به خورشید
اورین یالوم

حاشیه‌نگاری

حیاتی در حیاط خلوت اینترنت!

بازخوردهای مصاحبه عجیب محمدرضا حیاتی بار دیگر شکاف خنده‌دار نگاه رسمی و غیررسمی را به‌چشم آورد

محمدناصر حق‌خواه
Mn.haghkhah@shahraranews.ir

بار اولی نیست که حضور اینترنتی کسی که سال‌ها او را در هیبتی متفاوت و در مقامی خاص در رسانه‌های رسمی دیده‌ایم، برایمان تعجب‌برانگیز شده است. اما انگار هنوز برای ما تبدیل به‌عادت نشده است که آدم‌هایی که سال‌ها جوری شناخته‌ایم، جور دیگری در فضاهای غیررسمی حاضر می‌شوند. بحث بر سر این نیست که ریای رسانه‌ای وجود دارد و ارزش‌های بین مسئولان رسانه‌های اصلی و سلیقه عمومی متفاوت است و این تفاوت آدم‌ها را مجبور به‌تظاهر به چیزی که نیستند می‌کند، بلکه مطلب اصلی امروز درباره یکی از نمادهای رسانه ملی در سال‌های بعد از انقلاب است؛ کسی که سال‌ها هر روز و بعد هم حداقل یکی‌دو بار در هفته در پربیننده‌ترین ساعت تلویزیون حضور داشته و دیده شده است؛ امتیازی که فقط یکی‌دو نفر از همکاران او در رسانه داشته‌اند.

پس محمدرضا حیاتی شخصیت مهمی است. محمدرضا حیاتی در چند سال اخیر با یکی‌دو سوتی و مصاحبه عجیب‌وغریب در شبکه‌های اجتماعی دیده شده بود، اما یکی از پرتیترترین و حاشیه‌دارترین مصاحبه‌هایش را در همین هفته گذشته انجام داد که هنوز بخش‌های یک‌دقیقه‌ای‌اش را در جاهای مختلف می‌بینیم. حیاتی نزدیک یک سال پیش یکی از معروف‌ترین تپق‌های تاریخ اخبار تلویزیون را به‌نام خود سند زد و حماسه «به سفر قطر کرد» را آفرید و نقل محافل صفحه‌های زرد شد. مثل همین روزها که حرف‌هایش در همین صفحه‌ها دست‌به‌دست می‌شود. اما مگر حیاتی چه گفته است؟ او وارد مسیر سلبریتی‌شدن شده است و انگار ردای یک گوینده خبر عادی برایش جذابیتی ندارد و می‌خواهد سلبریتی باشد! سلبریتی‌شدن چند روش دارد که حیاتی چند تا از آن‌ها را انجام داد؛ یکی از این راه‌ها، گفتن حرف‌های عجیب در مصاحبه‌هاست تا هر کس گوشه‌ای از آن را بردارد و این سمت و آن سمت بگذارد.

حیاتی حتی وارد دعوای محسن چاووشی و همسر یکی از خواننده‌های لس‌آنجلسی، شد و خود را ارادتمند آن خواننده دانست، با توجه به حاشیه‌های اخیر، این موضوع بازخوردهای فراوان و متفاوتی داشت. البته که آقای حیاتی از معجزه بغض هم غافل نشد و در بخشی از مصاحبه‌اش وقتی درباره محمدعلی فردین، از بازیگران مطرح قبل از انقلاب، حرف می‌زد، از این گفت که وقتی فردین را پشت دخل فرش‌فروشی دیده، به‌شدت متأثر شده و حتی روی داخل‌شدن و سلام‌کردن هم نداشته است. این حرف‌ها که با بغض آقای گوینده هم همراه بود، از دیگر بخش‌های بسیار دیده‌شده مصاحبه حیاتی شد. (البته بعد از انتشار این کلیپ حیاتی با انتشار ویدئو دیگری گفت هیچ اطلاعی از دلیل جدال لفظی چاووشی و آن خواننده نداشته است) به‌هر حال به تعداد آدم‌ها راه برای دیده‌شدن وجود دارد؛ از تظاهر به خودکشی جلوی دوربین گرفته تا فحاشی و حرکات موزون و ناموزون در لایو اینستاگرام و در مورد اخیر هم گفتن حرف‌هایی که شنیدنش از دهان آن فرد عجیب است.